

مهمین بانو

به قلم میرجعفر پیشه‌وری
به کوشش: محمود مصور رحمانی ، صفدر تقی‌زاده

تاریخ نگارش

آغاز بهمن ماه ۱۳۱۴ ششمین سال توقیف

انجام تیرماه ۱۳۱۶

زندان مرکزی



به نام آنکه جان را فکرت آموخت

ولاداول

پیشه‌وری، جعفر، ۱۲۷۱-۲-۱۳۲۶ .

مهنیان/نگارش میرجعفرپیشه‌وری؛ به کوشش، محمود مصوررحمانی - صفی‌زهی زاده - تهران: گوینده، ۱۳۸۱-.

ISBN:964-7920-14-8: (ج.دور)

ISBN:964-7920-14-8: (ج. ۱)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

مقدمه: ج. ۱. آغاز بهمن ماه، ۱۳۱۴ ششمین سال توصیف زندان مرکزی -

۱. داستانهای فارسی - قرن ۱۴. الف. محمود مصوررحمانی، محمود، ۱۳۱۹-۱۳۸۱، گردآورنده، ب. نقی زاده، صفدر، ۱۳۱۹ - گردآورنده.

م ۹۵۸ پ ۳/۸۲

PRS ۷۹۹۲/ی ۵۶۴۹

۱۳۸۱

م ۱۱۸۳۴ - ۸۱

کتابخانه ملی ایران

مهرین بانو

«جلد اول»

نگارش: میرجعفر پیشه‌وری

به کوشش: محمود مصور رحمانی، صفدر تقی‌زاده

مدیر اجرایی: سرور فرهی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: پونه شیدانی، سپیده مصور رحمانی

چاپ: جمالی

لیتوگرافی: نقش

صحافی: صدف

شابک‌دوره: ۸-۱۴-۷۹۲۰-۹۶۴

شابک: ۶-۱۵-۷۹۲۰-۹۶۴

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹۵۰ تومان

انتشارات گوینده

چاپ اول زمستان ۱۳۸۴

تلفن: ۸۸۹۰۷۴۶۴

www.gooyandeh.com

E.mail: info@gooyandeh.com

حق تجدید چاپ و هرگونه استفاده دیگر محفوظ و تنها متعلق به نشر گوینده می‌باشد

مہین بانو

بہ قلم

میر جعفر پیشہ وری

[illegible]

صفحہ دوم نسخہ خطی جلد اول رمان مہین بانو

برگرفته از آرشیو شخصی محمود مصور زحمانی اصل کتاب در بایگانی دفتر نشر گوینده محفوظ است.

هرگونه استفاده، منوط به اجازه کتبی از ناشر می باشد.

بر سر این صاحب روغن در خانه د...
 زرد و در آن بهار فاطمه خانم به پیرا کردن هزار
 تروان سوختن کردید...
 خود را با خنجر نزل کرد و خود را با خود آورد و بود که
 زشتی آن بفرقه پیرا کردید و حقیرا که پیشتر خند
 شکوه بود یکی با بر این نمودن می با کمال ادب
 و بر این که از این زرد و صورت پیرا خود را
 روی خاکها بگذر است بنم نامت تمام زرد و در دل
 و زرد و باز بود با پیرا این آخوند زرد و زرد
 از چای غبار خاسته بزودی آمدی
 از سده س تومان باد و آن گفت آنجا گان ملک
 که همیشه اینی تیر سو دار و زرد و خنجر فرست
 به پیرا است به رود و تیرم آمدن را از اینی دیر و ام
 خواهی ملک با این مبلغ غبار این بفرقه که خنجر به بهر
 سنگی پیرا شد و این ایات و این راست
 را در آن حد کنند آخوند بول را که فرست
 غنطرا است که در این حقیقت خود دیگران

صفحات دوم نسخه خطی جلد اول رمان مہین بانو

برگرفته از آرشیو شخصی محمود مصور رحمانی اصل کتاب در بایگانی دفتر نشر گوینده محفوظ است.

هرگونه استفاده منوط به اجازه کسی از ناشر می باشد.

در آورده اند این جمله نیست را تنظیم کرده اند
 آن بر روی که نور علیست از جمله از درون قلم از دست
 کمال از آن قادر بر دل غیبی در میان هیچ شمع بزم
 سیم از آن در تاریخ و فانیه نور علیست
 بجمع بدست آورند سرده کعبه ضیاء شمع
 این سرودم نمی نژارد خطا ششم شمار جمع او
 فایده و کوراه اخلاقی مایه کنید اندک این به
 کرمات از صفا کعبه شمع
 آخوندی است گشتی و کمالند برار
 استراحت روح ضایع نژاد دمار گردان
 به کار خود در قفس کلمات بعد از آن از این سر
 ساحت با آن روز از وین از کمال
 ایگان تحفه نژاد باور خزانده خود در صفا
 ختم ملکیه ادراک

صفحات دوم نسخه خطی جلد اول رمان مهین بانو

برگرفته از آرشیو شخصی محمود مصور رحمانی اصل کتاب در بایگانی دفتر نشر کویته محفوظ است.

هرگونه استفاده منوط به اجازه کتبی از ناشر می باشد.

پیشگفتار

کالبد شکافی چالش‌های اخلاقی و رفتاری میان نسلی، در نمونه مشخصی از جوامع در حال گذار (جامعه ایرانی در اوایل مشروطیت و اواخر دوران قاجار)، از طریق نفوذ به اعماق جامعه و بازنمایی تضادهای اخلاقی، رفتاری و اعتقادی دو نسل متفاوت و حتی متعارض کهنه و نو، به نمایندگی اجتناب‌السلطان‌ها، دانش‌الدوله‌ها، واتق‌الملک‌ها و قمرخانم‌ها از یک‌سو و سهراب‌ها، توران‌ها و عزیزه‌ها از سوی دیگر خمیرمایه اصلی رمانی است که میرجعفرپیشه‌وری به عنوان دومین تجربه شناخته شده خود در عرصه داستان‌نویسی از بهمن‌ماه سال ۱۳۱۴ شمسی تا تیرماه ۱۳۱۶ یعنی در فاصله ششمین تا هشتمین سال بازداشت در زندان مرکزی به رشته تحریر درآورده است.

این اثر نیز مانند اثر نخستین همین نویسنده موسوم به (نادره) داستان عشقی - اجتماعی جذاب‌بست که شخصیت‌های محوری آن از میان زنان انتخاب شده‌اند (مهین بانو، توران، عزیزه، فاطمه‌خانم ...) زنانی که هرچند از میان اقشار متفاوت برخاسته و هریک تربیت، خلق و خو و

شیوه زندگی خاص خود را داشته و با سبک و سیاق متفاوت بادیگری روزگار می‌گذرانند، اما از انسان و آنچه انسانی است طرز تلقی واحد و یا بهتر بگوئیم نسبتا مشابهی دارند.

نویسنده همان‌طور که در جای‌جای اثر حاضر و دیگر آثار ادبی وی نیز به وضوح مشاهده می‌شود، بر این باور است که از منظر زندگی نوعی نیک‌بختی و بهروزی به‌عنوان نتیجه نهایی حیات در سرشت انسان به ودیعه نهاده شده و وصول به این هدف نیز نه از طریق تخصص و توسل به شیوه‌های قهرآمیز که به کمک تعامل اجتماعی و درک متقابل مقتضیات هم‌زیستی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر خواهد بود (آنچه در ادیان الهی و مکاتب فلسفی خوش‌بین نیز بشارت داده شده)

اما از منظر زندگی فردی نه تنها این نیک‌بختی و بهروزی مطلق به مفهومی نسبی بدل می‌گردد، بل وصول به آن هم مشروطه به تکیه بر خرد ورزی توأم با تعهد به رعایت فضائل انسانی به عنوان وجه تمایز اصلی آدمی از دیگر موجودات طبیعی است.

از این‌رو برخلاف انتظار بسیاری از آشنایان با خط‌مشی سیاسی این نویسنده، نه تنها در این اثر که حتی در دیگر آثار ادبی وی نیز هیچ‌گونه نشانی از مظاهر عینی و یا مصادیق واقعی تخصص طبقاتی، برخوردهای قهرآمیز و انقلابی و یا دعوت به حرکت در چنین راستائی مشاهده نمی‌شود. (آنچه دلیل قاطعی بر تفاوت فاجش موجود بین «بود» و «نمود» این شخصیت تاریخی به شمار می‌آید. «بودی» که در قالب آثار ادبی او به نمایش گذارده می‌شود و «نمودی» که در عملکرد سیاسی اجتماعی وی تجلی عینی پیدا می‌کند).

از طرفی اثر حاضر هرچند از نظر پرداختن به مفاهیمی چون خیر و شر غلبه نیکی بر بدی، ستایش فضائل اخلاقی و غیره حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و در ادبیات نوعی تکرار مکررات به حساب می‌آید، اما از نقطه نظر جذابیت و کشش، هم‌چنین تکنیک به کاررفته برای بسط موضوع، ایجاد ارتباط منطقی بین میان قصه‌ها و داستان اصلی موضوع و شخصیت‌ها و بالاخره مهارت در شخصیت‌پردازی و نتیجه‌گیری نهانی و رعایت اصل وحدت در عین کثرت و وجود رابطه منطقی بین جزء و کل دارای برجستگی‌های فراوانی است که بیان نمادین حوادثی چون فروریزی کاخ دانش در شعله‌های آتش افروخته شده به دست «اجتناب»، عکس‌العمل «مهرین بانو» در رویارونی با این حادثه تکان دهنده و احداث بناهای جدید بر ویرانه‌های به جامانده از کاخ یادشده توسط «مهرین بانو» و «سهراب»، در مقام نمایندگان نسل جدید یا آنچه تشابه مفهومی اسطوره ققنوس و جامعه انسانی را به ذهن متبادر می‌سازد و هم‌چنین موضوع و لحن صادقانه خطابیه انتہائی کتاب از نمونه‌های بارز آن است.

به هر تقدیر اثر حاضر اگر نه از لحاظ قالب که از نظر محتوا رمان ارزنده‌ای به نظر می‌رسد که مطالعه آن خصوصاً برای علاقه‌مندان به کنکاش در سیر تحولی تاریخ رمان‌نویسی در کشور خالی از فایده نخواهد بود.